

متن پیاده سازی شده جلسه هشتم سال اول درس خارج فقه العروة الوثقی - 16 مهر 1402

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

قبل از ادامه بررسی «مسأله 3»، دو سؤال مطرح شده که پاسخ آن مهم و کارآمد است:

1- حیطة اجتهاد، احتیاط و تقلید درمسائل تا چه مرزی است آیا منحصر در امور عبادی بوده یا شامل امور معاملی نیز می شود؟

در «مسأله 1» بیان شد که انسان درمسائلی که شارع در آن ها دخالت کرده یا باید اجتهاد کند یا تقلید یا احتیاط. دخالت شارع در امور به دو صورت تأسیسی مانند عبادات و امضایی مانند بسیاری از معاملات است. احتیاط در اموری که شارع در آن ها دخالت کرده منحصر در امور تأسیسی نیست بلکه شامل امور امضایی نیز می شود. از این رو لازم است مکلف در امور معاملی که شارع در آن دخالت کرده احتیاط، اجتهاد یا تقلید نماید. با توجه به این توضیح مواردی چون شیوه اجرای برخی از امور که شارع در آن ها دخالت نکرده است یا اساساً در حیطة دخالت شارع نیست مانند نحوه اجرای برخی دستورات شارع مثل آنکه در چشم آسیب دیده باید دیه داده شود و لازم است میزان آسیب بررسی شود، اینکه چه شیوه ای در شناخت میزان آسیب به کار می رود این ربطی به شارع ندارد اگرچه ممکن است شارع متناسب با زمان خودش راهی را بیان کرده باشد. در اینگونه امور اجتهاد، تقلید و احتیاط لازم نیست.

2- اگر در تعیین و تخییر بین اجتهاد، تقلید و احتیاط دچار شک شویم، آیا اجتهاد و تقلید متعین است یا اینکه بین سه راه اجتهاد، تقلید و احتیاط مخیر هستیم؟

در رابطه با تعیین و تخییر دو مبنا وجود دارد که یکی مشهور و دیگری نادر است. مشهور اصولیین قائل اند در دوران امر بین تعیین و تخییر باید احتیاط کرد و احتیاط مقتضی تعیین است. اما در برابر مشهور، دیدگاه تفصیلی وجود دارد که اگر دوران امر بین تعیین و تخییر ناشی از شک در اعتبار و حجیت طریق باشد، چون شک در حجیت یک طریق مساوق با عدم حجیت است باید احتیاط کرد و حکم به تعیین نمود. اما اگر منشأ شک ما شک در حجیت و اعتبار طریق نیست در اینگونه موارد برائت جاری می شود.

برای فهم بهتر این دو مبنا به دو مثال ذیل توجه شود:

الف) شخصی مقلد مرجع اعلم است و می خواهد وجوهای خود را بپردازد و به هر دلیلی نظر تفصیلی اجتهادی یا تقلید ندارد یا نمی تواند کسب کند که آیا مخیر است وجوهای را به مجتهد غیر اعلم بدهد یا متعین است که به مجتهد اعلم بپردازد؟ در اینجا بنا بر مبنای مشهور اصولیین پرداختن به فقیه اعلم متعین است اما بنا بر مبنای غیر مشهور چون مکلف علم دارد که باید خمس را به مجتهد بدهد و در وجوب قید اعلمیت تردید دارد این شک به اصل تکلیف برگشت می کند، از این رو برائت جاری می شود و «رُفِعَ ما لا یعلمون» این مورد را در بر می گیرد.

ب) اگر شک شود که آیا می توان از مجتهد غیر اعلم تقلید کرد یا آنکه وجوب تقلید متعین در مجتهد اعلم است؟ در این مورد شک چون در اعتبار و حجیت طریق عمل به فتوای مجتهد غیر اعلم هست، گفته می شود، شک در اصل حجیت مساوق با عدم حجیت است، پس باید احتیاط کرد و تقلید از اعلم متعین می شود.

در رابطه با دوران امر بین تعیین اجتهاد و تقلید و تخییر بین اجتهاد، تقلید و احتیاط گفته می شود؛ چون شک در اعتبار و

حجیت طریق عمل به احتیاط داریم لازم است احتیاط شود و تقلید یا اجتهاد متعین گردد.

البته باید توجه داشت که با تقریب بیان شده در جلسات قبل ما شکی در جواز عمل به احتیاط نداریم، زیرا غرض رسیدن به واقع است و تمام راه های اجتهاد، تقلید و احتیاط از راه های رسیدن به واقع می باشند و خودشان موضوعیت ندارند.

### ادامه بررسی مسأله 3

«قد يكون الاحتياط في الفعل كما إذا احتتمل كون الفعل واجباً و كان قاطعاً بعدم حرمة، و قد يكون في الترك كما إذا احتتمل حرمة فعل و كان قاطعاً بعدم وجوبه، و قد يكون في الجمع بين أمرين مع التكرار كما إذا لم يعلم أن وظيفته القصر أو التمام». در جلسه قبل گفته شد که این مسأله صورت های عمل به احتیاط را بیان می کند و اشکال شد که محقق طباطبایی در این مسأله متذکر همه صورت ها نشده و از جامعیت برخوردار نیست. اشکال شده که ایشان در صدد بیان همه موارد احتیاط نبوده اند تا اشکال عدم جامعیت به ایشان وارد شود! در پاسخ گفته می شود؛ چون می توان متن را جامع بیان کرد اشکال همچنان هست اگرچه گفته شود که سید ماتن در صدد بیان تمام صور احتیاط نبوده است.

در جلسه قبل گفته شد که سید ماتن در این مسأله برای صورت عمل به احتیاط از طریق جمع و تکرار مثال جمع بین نماز قصر و تمام را بیان کرده است در حالی گفته شد برخی از محشین گفته اند اگر یک نماز چهار رکعتی بخواند عمل به احتیاط شده است. اگر این نحوه از احتیاط در نماز ثابت شود ثمره آن جواز به جماعت خواندن آن است، زیرا وی یک نماز را به قصد احتیاط می خواند ولی اگر بخواهد نماز جمع بخواند چون دو نماز است نمی توان به او اقتدا کرد. برای اثبات عمل به احتیاط در خواندن یک نماز چهار رکعتی دو مطلب باید ثابت شود:

1. آنچه که نیاز است تا مکلف از نماز خارج شود «سلام» می باشد. اولین چیز برای اثبات این که خواندن نماز چهار رکعتی موافق عمل به احتیاط است، باید اثبات کرد، چون «سلام» مخرج نماز است و مخرج نماز، جزء نماز نیست، پس می توان دو رکعت را خواند، تشهد را گفت، سپس به جهت احتیاط دو رکعت دیگر خواند و پس از چهار رکعت مخرج نماز را (سلام) گفت. اما اگر گفته شود؛ مخرج نماز نیز جزء نماز است نمی توان به یک نماز چهار رکعتی اکتفا کرد.
2. دومین چیزی که لازم است تا اثبات شود خواندن یک نماز چهار رکعتی موافق عمل به احتیاط است آن که باید اثبات کرد که فاصله «سلام» از تشهد در رکعت دوم اشکالی ندارد، اما اگر گفته شود؛ این مقدار از فاصله محل به نماز است نمی تواند یک نماز چهار رکعتی را موافق احتیاط دانست اگرچه قائل به جزئیت «سلام» برای نماز نباشد. و بررسی این مسأله جایش اینجا نیست بلکه در «سلام» نماز است. از این رو ما این مسأله را رد نکردیم اما گفتیم اثبات این مسأله مبتنی بر دو مطلب مذکور است.

### الاقتراح (پیشنهاد)

با توجه به بررسی های صورت گرفته پیرامون «مسأله 3» پیشنهاد داده می شود عبارت ذیل جایگزین عبارت عروه شود: «للاحتياط صور فقد يكون بالفعل كما اذا احتتمل كون الفعل واجباً و له الحجة على عدم حرمة... و قد يكون بالجمع بين أمرين و غير ذلك».

توجه: در احتیاط چون کشف خلاف معنا ندارد، مجزی است اما در تقلید و اجتهاد چون کشف خلاف مطرح است بحث اجزا راه می یابد.

### مسأله 4

«الأقوى جواز الاحتياط و لو كان مستلزماً للتكرار و أمكن الاجتهاد أو التقليد».

در «مسأله 2» گفته شد که باید آن را با «مسأله 4» ملاحظه کرد. آنچه نیاز بود از ادله مانعین جواز عمل به احتیاط و پاسخ های آن و دلیل جواز عمل به احتیاط بیان شد، از این رو این مسأله بررسی خاصی نیاز ندارد الا اینکه در این مسأله آمده است «احتیاط جایز است اگر چه مستلزم تکرار باشد در حالی که اجتهاد یا تقلید نیز ممکن است»؛ این عبارت در مقایسه با فتوای ایشان در «مسأله 6» فصل الصلاة في النجس سازگاری ندارد، زیرا در آن مسأله بیان شده که شخصی سه لباس دارد که یکی از آن ها قطعاً طاهر بوده و معلوم است و دو لباس دیگر یکی نجس و دیگری پاک ولی معلوم نبوده و هر دو لباس مشتبه است. این فرد مکلف به جای آنکه در لباس معلوم الطهاره یک نماز گذارد، احتیاط می کند و دو نماز در دو لباس مشتبه می خواند، سید ماتن می فرماید که او مجاز به چنین رفتاری نیست، درحالی در «مسأله 4» جواز این عمل استفاده می شود. اکنون لازم

است بررسی شود که آیا این دو مسأله با هم قابل جمع اند یا خیر؟  
توجه: شبیه مثالی که بیان شد موارد متعدد رایجی متصور است مثل آنکه شخصی به مکانی رفته و می‌تواند قبله را پیدا کند اما به  
جای یافتن قبله احتیاط کرده و به چهار طرف نماز می‌خواند.  
**و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین**